



شما در حال مطالعه نسخه آفلاین یکی از مقالات «زبان مستر» هستید. لطفاً توجه داشته باشید که در این نسخه، برخی امکانات تعاملی مانند پخش صوت، ویدیو و تمرین‌های هوش مصنوعی در دسترس نیستند. برای مشاهده نسخه کامل و آنلاین مقاله، همراه با امکانات آموزشی و تجربه کاربری بهتر، [اینجا کلیک کنید](#).

صفت در انگلیسی و کاربرد آن

ارسال شده توسط مصطفی ساهری | مقالات زبان انگلیسی | ۳۵ بازدید | ۱۴۰۵/۰۴/۱۵

صفت در انگلیسی و کاربرد آن
Adjectives in English

a tall tree

a new phone

my phone

this car

a fast car

zabanmaster.com

صفت در انگلیسی فقط یک کلمه برای توصیف نیست؛ باید بدانیم کجای جمله می‌آید، چه چیزی را توضیح می‌دهد و با چه ساختاری استفاده می‌شود. در این درس، گرامر صفت در انگلیسی را کوتاه، کاربردی و با مثال‌های واقعی یاد می‌گیرید تا بتوانید adjectiveها را درست‌تر در جمله به کار ببرید.

موضوعات این مقاله

۱ معنی adjective در گرامر چیست؟

۲ صفت در انگلیسی دقیقاً کجای جمله می‌آید؟

۳ مثال صفت در انگلیسی با جمله‌های واقعی

۴ فرق صفت و قید در انگلیسی

۵ انواع صفت در انگلیسی

۶ ترتیب صفات در انگلیسی

۷ صفت‌هایی که همیشه قبل از اسم نمی‌آیند

۸ صفات -ed و -ing در انگلیسی؛ bored یا boring؟

۹ تبدیل فعل به صفت در انگلیسی

۱۰ صفت + حرف اضافه در انگلیسی

۱۱ جمع‌بندی گرامر صفت در انگلیسی

۱۲ سوالات رایج درباره صفت در انگلیسی

معنی adjective در گرامر چیست؟

در گرامر انگلیسی، **adjective** یعنی «صفت». صفت کلمه‌ای است که درباره‌ی یک اسم یا ضمیر توضیح بیشتری می‌دهد؛ مثلاً می‌گویند آن چیز چه شکلی است، چه حالتی دارد، چه رنگی است، چه کیفیتی دارد یا متعلق به چه کسی است. مثلاً در جمله‌ی زیر کلمه‌ی «new» صفت است:

I bought a **new** phone.

من یک گوشی جدید خریدم.

در این جمله، **new** درباره‌ی اسم **phone** توضیح می‌دهد. یعنی نمی‌گوییم فقط «گوشی»، بلکه می‌گوییم «گوشی جدید». چند مثال ساده دیگر:

She has a **beautiful** voice.

او صدای زیبایی دارد.

This lesson is **useful**.

این درس مفید است.

I feel **tired**.

احساس خستگی می‌کنم.

پس اگر کلمه‌ای درباره‌ی یک شخص، چیز، مکان، ایده یا حالت توضیح بدهد، احتمال زیادی دارد که با یک صفت طرف باشیم.

بیشتر بخوانید: لیست کامل صفات کاربردی انگلیسی

صفت در انگلیسی دقیقا کجای جمله می آید؟

یکی از مهم‌ترین نکات در گرامر صفت در انگلیسی، جایگاه صفت در جمله است. در فارسی معمولا صفت بعد از اسم می آید؛ مثلا می‌گوییم «گوشی جدید». اما در انگلیسی، صفت بیشتر وقت‌ها قبل از اسم قرار می‌گیرد.

صفت قبل از اسم

رایج‌ترین جایگاه صفت در انگلیسی، قبل از اسم است:

a cheap laptop

یک لپ‌تاپ ارزان

a long message

یک پیام طولانی

a weird video

یک ویدیوی عجیب

مثال در جمله:

She sent me a long voice message.

او یک پیام صوتی طولانی برایم فرستاد.

I found a cheap flight.

یک پرواز ارزان پیدا کردم.

That was a **weird** comment.

کامنت / حرف عجیبی بود.

صفت بعد از فعل های ربطی

صفت همیشه قبل از اسم نمی آید. گاهی بعد از فعل هایی مثل **be, seem, look, feel, sound, taste, smell, become** قرار می گیرد. به این فعل ها معمولا فعل ربطی می گوئیم، چون فاعل جمله را به یک حالت یا ویژگی وصل می کنند. مثال:

The room is **quiet**.

اتاق ساکت است.

You look **tired**.

خسته به نظر می رسی.

That **sounds interesting**.

جالب به نظر می رسد.

The food **smells amazing**.

غذا بوی فوق العاده ای می دهد.

در این جمله ها، صفت ها بعد از فعل آمده اند، اما همچنان دارند درباره ی فاعل جمله توضیح می دهند.

بیشتر بخوانید: آموزش گرامر فعل در انگلیسی

صفت بعد از مفعول

گاهی صفت بعد از مفعول می‌آید و حالت آن مفعول را توضیح می‌دهد. این ساختار مخصوصاً با فعل‌هایی مثل **make**, **keep**, **find**, **leave** زیاد دیده می‌شود.

This song makes me happy.

این آهنگ من را خوشحال می‌کند.

Keep the door open.

در را باز نگه دار.

I found the explanation confusing.

توضیح را گیج‌کننده دیدم / به نظرم توضیح گیج‌کننده بود.

Don't leave the screen on.

صفحه را روشن نگذار.

این ساختار در مکالمه‌ی واقعی انگلیسی خیلی کاربردی است و باعث می‌شود جمله‌ها طبیعی‌تر شوند.

مثال صفت در انگلیسی با جمله‌های واقعی

برای اینکه کاربرد صفت را بهتر ببینید، به این مثال‌ها دقت کنید. در هر جمله، کلمه‌ی **بولدشده** صفت است:

I need a **quick** answer.

من یک جواب **سریع** می خواهم.

This is a **bad** time to call.

الان وقت **بدی** برای زنگ زدن است.

The video was **too long**.

ویدیو **بیش از حد طولانی** بود.

Your message was **clear**.

پیامت **واضح** بود.

I'm **ready** when you are.

هر وقت تو **آماده** ای، من هم **آماده** ام.

That sounds **fair**.

منصفانه به نظر می رسد.

The room feels **empty**.

اتاق **حس خالی** بودن می دهد.

She looked **nervous** before the meeting.

قبل از جلسه **مضطرب** به نظر می‌رسید.

It's a **common** mistake.

این یک اشتباه **رایج** است.

The course is **useful**, but a little **expensive**.

دوره **مفید** است، اما کمی **گران** است.

نکته‌ی مهم این است که برای یادگیری صفت‌ها، فقط حفظ کردن معنی کافی نیست. در آموزش زبان انگلیسی باید صفت را داخل جمله یاد بگیرید تا هم جایگاهش را بفهمید، هم کاربرد واقعی‌اش را.

فرق صفت و قید در انگلیسی

یکی از اشتباهات رایج زبان‌آموزها این است که صفت و قید را با هم قاطی می‌کنند. ساده‌ترین تفاوت این است:

- صفت، اسم یا ضمیر را توصیف می‌کند.
- قید، معمولاً فعل را توصیف می‌کند.

به این دو جمله دقت کنید:

He is a **careful** driver.

او راننده‌ی **محتاطی** است.

He drives **carefully**.

او با احتیاط رانندگی می‌کند.

در جمله‌ی اول، **careful** صفت است، چون درباره‌ی اسم **driver** توضیح می‌دهد. در جمله‌ی دوم، **carefully** قید است، چون درباره‌ی فعل **drives** توضیح می‌دهد. و چند مثال دیگر:

She is a **fluent** speaker.

او صحبت‌کننده‌ای روان است (= روان صحبت می‌کند).

She speaks **fluently**.

او روان صحبت می‌کند.

It was a **quick** reply.

جواب سریعی بود.

She replied **quickly**.

او سریع جواب داد.

بیشتر بخوانید: آموزش کامل قید در انگلیسی

انواع صفت در انگلیسی

انواع صفت در انگلیسی زیاد است، اما برای استفاده‌ی واقعی، لازم نیست همه‌ی دسته‌بندی‌های گرامری را حفظ کنید. مهم‌ترین این است که چند نوع اصلی و پرکاربرد را خوب بشناسید.

صفت توصیفی

صفت توصیفی، کیفیت یا حالت یک اسم را توضیح می‌دهد. بیشتر صفت‌هایی که روزمره استفاده می‌کنیم از همین نوع هستند.

a **small** room

یک اتاق کوچک

a **difficult** question

یک سوال سخت

a **funny** comment

یک کامنت بامزه

That was a **smart** decision.

آن تصمیم هوشمندانه‌ای بود.

I had a **busy** day.

روز شلوغی داشتم.

صفت‌های مقایسه‌ای و عالی

وقتی می خواهیم دو چیز را با هم مقایسه کنیم، از صفت مقایسه‌ای استفاده می‌کنیم:

This phone is **cheaper** than mine.

این گوشی از گوشی من ارزان‌تر است.

Your room is **bigger** than mine.

اتاق تو از اتاق من بزرگ‌تر است.

برای صفت‌های کوتاه، معمولا **er-** اضافه می‌کنیم:

cheap → cheaper

ارزان -> ارزان‌تر

small → smaller

کوچک -> کوچک‌تر

fast → faster

سریع -> سریع‌تر

اما برای صفت‌های بلندتر، معمولا از **more** استفاده می‌کنیم:

This explanation is **more useful** than the last one.

این توضیح از قبلی مفیدتر است.

The second movie was **more interesting**.

فیلم دوم جالب‌تر بود.

برای بیان «بیشترین» یا «بهترین»، از صفت عالی استفاده می‌کنیم:

This is the **best** part of the course.

این بهترین بخش دوره است.

It was the **most important** question.

آن مهم‌ترین سوال بود.

صفت‌های ملکی، اشاره‌ای و پرسشی

بعضی کلمه‌ها قبل از اسم می‌آیند و آن را مشخص‌تر می‌کنند. در بعضی منابع گرامری، به آن‌ها هم adjective گفته می‌شود. مثال:

my phone

گوشی من

this problem

این مشکل

which option

کدام گزینه

مثال در جمله:

I can't find my keys.

نمی توانم کلیدهایم را پیدا کنم.

This idea makes sense.

این ایده منطقی است.

Which course do you recommend?

کدام دوره را پیشنهاد می کنی؟

این ها مثل **beautiful** یا **expensive** صفت توصیفی نیستند، اما چون قبل از اسم می آیند و آن را مشخص تر می کنند، در بحث گرامر صفت مهم هستند.

بیشتر بخوانید: گرامر صفات ملکی در انگلیسی

صفت مرکب در انگلیسی

صفت مرکب از دو یا چند کلمه ساخته می شود و قبل از اسم می آید. این نوع صفت در انگلیسی خیلی رایج است.

a part-time job

یک کار پاره وقت

a well-known teacher

یک معلم شناخته شده

a five-minute video

یک ویدیوی پنج دقیقه‌ای

a last-minute decision

یک تصمیم لحظه آخری

نکته‌ی مهم این است که وقتی این ترکیب قبل از اسم می‌آید، معمولا بین کلمات آن خط تیره می‌گذاریم. ضمنا گفتن «a five minutes video» کاملا اشتباه است و در این ساختار، کلمه‌ی **minute** جمع بسته نمی‌شود، چون کل ترکیب نقش صفت دارد.

ترتیب صفات در انگلیسی

گاهی قبل از یک اسم، بیشتر از یک صفت می‌آید. در این حالت، ترتیب صفات‌ها مهم است. معمولا ترتیب کلی صفات در انگلیسی این طوری است:

نظر → اندازه → سن → شکل → رنگ → ملیت / ریشه → جنس / ماده → کاربرد

مثال:

a nice small room

یک اتاق کوچک و خوب

a beautiful old house

یک خانه‌ی قدیمی و زیبا

a black leather jacket

یک کت چرمی مشکی

a cheap Japanese laptop

یک لپ‌تاپ ژاپنی ارزان

She bought a nice black leather bag.

او یک کیف چرمی مشکی خوب خرید.

در مکالمه‌ی واقعی، معمولا دو صفت پشت سر هم کاملا طبیعی است. سه صفت هم گاهی استفاده می‌شود، اما اگر تعداد صفت‌ها زیاد شود، جمله سنگین و غیرطبیعی به نظر می‌رسد.

صفت‌هایی که همیشه قبل از اسم نمی‌آیند

در آموزش‌های ساده معمولا گفته می‌شود که صفت قبل از اسم می‌آید. این حرف در بیشتر موارد درست است، اما کامل نیست. بعضی صفت‌ها معمولا بعد از فعل می‌آیند و قبل از اسم طبیعی نیستند.

The baby is **asleep**.

بچه خواب است.

He is **afraid**.

او ترسیده است.

I'm **glad** you called.

خوشحالم که زنگ زدی.

و ساختارهایی مثل «an asleep baby» یا «an afraid man» طبیعی و درست نیستند. به جای اینها می‌توانید بگویید:

a **sleeping** baby

یک بچه‌ی خواب

a **scared** man

یک مرد ترسیده

از طرف دیگر، بعضی صفت‌ها معمولا قبل از اسم می‌آیند و بعد از فعل خیلی طبیعی نیستند:

my **former** boss

رئیس سابق من

the **main** reason

دلیل اصلی

the **only** option

تنها گزینه

پس جایگاه صفت فقط یک قانون ساده و ثابت نیست؛ بعضی صفت‌ها جایگاه خاص خودشان را دارند.

بیشتر بخوانید: آموزش گرامر اسم در انگلیسی

صفات -ed و -ing در انگلیسی؛ bored یا boring؟

یکی از مهم‌ترین بخش‌های گرامر صفت در انگلیسی، تفاوت صفت‌های -ed و -ing است. این صفت‌ها مخصوصاً برای بیان احساسات و تاثیر چیزها استفاده می‌شوند.

صفات‌های -ing

صفات‌های -ing معمولاً درباره‌ی چیزی هستند که یک حس را ایجاد می‌کند.

The movie was **boring**.

فیلم خسته‌کننده بود.

The news was **shocking**.

خبر شوکه‌کننده بود.

This topic is **interesting**.

این موضوع جالب است.

That explanation was **confusing**.

آن توضیح گیج کننده بود.

صفت های -ed

صفت های -ed معمولا دربارہی کسی هستند که آن حس را تجربه می کنند.

I was **bored**.

حوصله ام سر رفته بود.

She was **shocked**.

او شوکه شده بود.

I'm **interested** in this topic.

من به این موضوع علاقه مندم.

He looked **confused**.

او گیج به نظر می رسید.

به تفاوت معنایی این دو جمله توجه کنید:

I'm bored.

حوصله‌ام سر رفته است.

I'm boring.

من آدم خسته‌کننده‌ای هستم.

پس اگر منظورتان احساس خودتان است، معمولا باید از صفت **ed-** استفاده کنید. اگر منظورتان چیزی است که آن احساس را ایجاد می‌کند، معمولا صفت **ing-** لازم دارید.

فارسی	انگلیسی	فارسی	انگلیسی
خسته‌کننده	boring	بی‌حوصله / حوصله‌سررفته	bored
جالب	interesting	علاقه‌مند	interested
هیجان‌انگیز	exciting	هیجان‌زده	excited
گیج‌کننده	confusing	گیج	confused
خسته‌کننده	tiring	خسته	tired

تبدیل فعل به صفت در انگلیسی

در انگلیسی خیلی وقت‌ها می‌توانیم از فعل‌ها، صفت بسازیم. این موضوع در آموزش زبان انگلیسی مهم است، چون کمک می‌کند کلمه‌ها را فقط جداگانه حفظ نکنید و خانواده‌ی آن‌ها را هم بشناسید.

تبدیل فعل به صفت با **ing-** و **ed-**

بعضی فعل‌ها با اضافه شدن **ing-** یا **ed-** به صفت تبدیل می‌شوند:

The game was **exciting**.

بازی هیجان‌انگیز بود. - خود excite به معنی (هیجان زده کردن) است.

We were **excited**.

ما هیجان‌زده بودیم.

تبدیل فعل به صفت با پسوندهای رایج

بعضی صفت‌ها با پسوندهایی مثل **-ful, -able, -ive, -al** ساخته می‌شوند.

use → useful

استفاده کردن -> مفید

break → breakable

شکستن -> شکستنی

create → creative

خلق کردن -> خلاق

attract → attractive

جذب کردن -> جذاب

good at

This is a **useful** app.

این یک اپلیکیشن **مفید** است.

Be careful. The glass is **breakable**.

مراقب باش. لیوان **شکستنی** است.

She has a **creative** mind.

او ذهن **خلاق**ی دارد.

این بخش را لازم نیست خیلی پیچیده کنید. فعلا کافی است بدانید که خیلی از صفتهای انگلیسی از فعلها و اسمها ساخته می شوند.

بیشتر بخوانید: گرامر پسوند و پیشوند در زبان انگلیسی

صفت + حرف اضافه در انگلیسی

بعضی صفتها معمولا با یک حرف اضافه ی خاص می آیند. این ترکیبها را بهتر است با هم یاد بگیرید، چون همیشه نمی شود آنها را مستقیم از فارسی ترجمه کرد.

good at

در چیزی خوب بودن

She's **good at** explaining things.

او در توضیح دادن چیزها خوب است.

interested in

علاقه مند به

I'm **interested in** psychology.

من به روان شناسی **علاقه مند**م.

afraid of

ترسیده از / ترسان از

He's **afraid of** heights.

او از ارتفاع می ترسد.

proud of

مفتخر به

I'm proud of you.

به تو افتخار می‌کنم.

different from

متفاوت از

This version is **different from** the old one.

این نسخه از نسخه قدیمی **متفاوت** است.

similar to

شبيه به

Your idea is **similar to** mine.

ایده‌ی تو **شبيه** به ایده‌ی من است.

در این ترکیب‌ها، بهتر است صفت و حرف اضافه را جدا از هم حفظ نکنید. مثلاً به جای اینکه فقط **interested** را یاد بگیرید، ترکیب **interested in** را یاد بگیرید.

جمع‌بندی گرامر صفت در انگلیسی

صفت در انگلیسی کلمه‌ای است که اسم یا ضمیر را توصیف می‌کند. صفت معمولاً قبل از اسم می‌آید، اما بعد از فعل‌های ربطی مثل **be, look, seem, feel, sound** هم زیاد استفاده می‌شود. بعضی صفت‌ها با حرف اضافه‌ی خاص می‌آیند، بعضی از فعل‌ها ساخته می‌شوند و بعضی مثل صفت‌های **-ed** و **-ing** معنی متفاوتی دارند.

برای استفاده‌ی درست از صفت‌ها، فقط معنی آن‌ها را حفظ نکنید. به جایگاه صفت، تفاوت آن با قید، ترتیب صفات و مثال‌های واقعی توجه کنید. این کار باعث می‌شود جمله‌های انگلیسی شما طبیعی‌تر، دقیق‌تر و شبیه‌تر به چیزی شود که واقعا در انگلیسی استفاده می‌شود.

سوالات رایج درباره صفت در انگلیسی

adjective در گرامر یعنی چه؟

Adjective یعنی صفت؛ کلمه‌ای که اسم یا ضمیر را توصیف می‌کند، مثل **new** در عبارت **a new phone**.

جایگاه صفت در انگلیسی کجاست؟

صفت معمولا قبل از اسم می‌آید، مثل **a good idea**. اما بعد از فعل‌های ربطی هم می‌آید، مثل **The idea is good**.

مثال صفت ساده در انگلیسی چیست؟

مثال‌های ساده‌ی صفت در انگلیسی عبارت‌اند از: **a difficult question** و **a small room, a good answer, a new phone**.

فرق صفت و قید چیست؟

صفت اسم را توصیف می‌کند، اما قید معمولا فعل را توضیح می‌دهد. مثلا در **a careful driver** کلمه‌ی **careful** صفت است، اما در **He drives carefully** کلمه‌ی **carefully** قید است.

آیا صفت در انگلیسی جمع بسته می‌شود؟

نه. صفت در انگلیسی معمولا جمع بسته نمی‌شود. می‌گوییم **red cars**، نه **reds cars**.

bored و boring چه فرقی دارند؟

Bored یعنی کسی حوصله اش سر رفته، اما **boring** یعنی چیزی یا کسی خسته کننده است.
مثلا: **I'm bored** یعنی حوصله ام سر رفته؛ اما **I'm boring** یعنی من آدم خسته کننده ای هستم.

تبدیل فعل به صفت در انگلیسی چگونه انجام می شود؟

گاهی با اضافه کردن پسوندهایی مثل **-able, -ful, -ed, -ing** و **ive-** می توان از فعل، صفت ساخت؛ مثل **interest** → **interesting/interested** یا **use** → **useful**.